

سفرنامه اسرائیل

از همبستگی تا همکاری پزشکی

۲۵ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶



پیمان بخشایش

MD, PhD, MBA

گزارش سفر برای ارائه به پزشکان میهن‌دوست ایران

روایت شخصی، دیدارها و طرح همکاری آموزشی

درباره این سفرنامه

این سفرنامه گزارش من از سفر به اسرائیل در فاصله ۲۵ تا ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶ است؛ سفری که با انگیزه پیوند میان پزشکان ایرانی و اسرائیلی و تقویت همکاری ایرانیان و یهودیان خارج از کشور انجام دادم. روایت دیدارها تا جمعه ۳۰ اکتبر نوشته شده است. بازگشت روز شنبه ۳۱ اکتبر، مطابق کارتهای پرواز، در این نسخه به عنوان برنامه بازگشت آمده است. آنچه درباره دوره آموزشی آینده می نویسم، پیشنهاد و حاصل گفت وگوهای این سفر است و برای اجرا به هماهنگی نهایی نیاز دارد.

در این کتابچه ۵۴ عکس مرتبط و غیرتکراری گرد آمده است. تصاویر دیدارها و بازدیدهای سفر در کنار روایت قرار دارند. عکسهای قابها، کتابها و اسناد خانه دکتر دانیل دانا در بخش جداگانه آرشیو میزبان آمده اند؛ اینها یادگارهای گذشته او هستند که در همین سفر از آنها عکس گرفته شده است.

راهنمای خواندن

۱. چرا به اسرائیل آمدم؟
۲. یکشنبه ۲۵ اکتبر؛ ورود و نخستین شب اورشلیم
۳. دوشنبه ۲۶ اکتبر؛ گفت وگو درباره صلح و شناخت شهر
۴. سه شنبه ۲۷ اکتبر؛ در خانه آمیت دیویدسون
۵. چهارشنبه ۲۸ اکتبر؛ پاول همبرگر و میخال مایان
۶. پنجشنبه ۲۹ اکتبر؛ دیدار با موشه کاتساو
۷. پنجشنبه؛ جنوب اسرائیل، یادمانها و کیبوتز آلومیم
۸. جمعه ۳۰ و شنبه ۳۱ اکتبر؛ پایان اقامت و برنامه بازگشت
۹. پیشنهاد من؛ شش روز و پنج شب همکاری و آشنایی
۱۰. برنامه پیشنهادی سفر گروهی
۱۱. دستاوردی که باید ادامه پیدا کند
۱۲. سپاس و سخن پایانی
۱۳. در خانه دکتر دانا؛ آرشیو میزبان
۱۴. یادداشت منابع و روایت

۱. چرا به اسرائیل آمدم؟

تصمیم من برای سفر به اسرائیل، در چارچوب همراهی با پزشکان میهن‌دوست ایران، از یک پرسش روشن آغاز شد: چگونه می‌توان همبستگی میان ایرانیان و اسرائیلیان را به رابطه‌ای عملی، پایدار و سودمند برای مردم تبدیل کرد؟ برای من، به‌عنوان یک جراح تروما، پاسخ این پرسش در پیوند میان شناخت متقابل، آموزش و حفاظت از جان انسان‌ها قرار دارد. می‌خواستم از نزدیک ببینم، گفت‌وگو کنم و راهی برای همکاری میان همکاران ایرانی و اسرائیلی پیدا کنم؛ همکاری‌ای که بتواند در زندگی واقعی اثری داشته باشد.

از نگاه من، شرایط سیاسی سال‌های اخیر، بخش بزرگی از ایرانیان خواهان آزادی و مردم اسرائیل را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده است. مردم ایران برای رهایی از جمهوری اسلامی هزینه‌های سنگینی پرداخته‌اند و کشتار هشتم و نهم ژانویه ۲۰۲۶، بار دیگر عمق این رنج را نشان داد. اسرائیل نیز با تهدید جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی آن روبه‌رو بوده است. فاجعه هفتم اکتبر ۲۰۲۳، که بنا بر گزارش‌های منتشرشده حدود هزار و دویست کشته بر جای گذاشت [۲]، مسئله امنیت و مقابله با خشونت اسلام‌گرایان افراطی را با شدتی تازه در برابر جامعه اسرائیل قرار داد.

این نزدیکی برای ایرانیان خارج از کشور نیز معنایی ملموس دارد. ایرانیانی که با پرچم سهرنگ شیر و خورشید و پرچم اسرائیل از آزادی و دوستی دو ملت دفاع می‌کنند، ممکن است با تهدید و تعرض روبه‌رو شوند؛ جوامع یهودی اروپا نیز با تهدیدهایی مواجه‌اند. من باور دارم که شناخت یکدیگر، آمادگی برای شرایط اضطراری و توان کمک‌رسانی می‌تواند بخشی از پاسخ مشترک ما باشد. با این حال، رابطه مطلوب من به تهدید مشترک محدود نمی‌شود. دوستی باید پس از رفع تهدید هم معنا داشته باشد: در پزشکی، آموزش، فرهنگ، آبادانی و ساختن آینده‌ای که در آن مردم برای زندگی بهتر برنامه‌ریزی کنند. با چنین فکری در بیست‌وپنجم اکتبر به اسرائیل آمدم.

۲. یکشنبه ۲۵ اکتبر؛ ورود و نخستین شب اورشلیم

سفرم از فرودگاه منچستر آغاز شد. خودرو را در پارکینگ فرودگاه گذاشتم، با اتوبوس به ترمینال رفتم و از مسیر مونیخ به فرودگاه بن‌گوریون رسیدم. پیش از سفر، درخواست مجوز الکترونیکی ورود را در سامانه ETA-IL ثبت کرده بودم [۱] و تصور می‌کردم بررسی‌های لازم انجام شده است. با این تصور، انتظار نداشتم که در هنگام ورود، بررسی دیگری بیش از دو ساعت به طول بینجامد.

در فرودگاه به باجه کنترل گذرنامه راهنمایی شدم. پرسیدند کجا متولد شده‌ام و پاسخ دادم: ایران. سپس درباره سفرهای من به ایران پرسیدند. توضیح دادم که بیست‌وهشت سال از خروج من گذشته و در این مدت به ایران بازنگشته‌ام. درباره موضع و انگیزه سفرم نیز صحبت کردم و گفتم که دوستدار اسرائیل هستم و برای ایجاد ارتباط و همکاری آمده‌ام. پاسخشان محترمانه بود: سختم را درک می‌کردند، اما لازم می‌دانستند بررسی بیشتری انجام دهند. من نیز نشستم و منتظر ماندم. حدود دو ساعت و نیم بعد، با احترام به من گفتند که اجازه ورود دارم.

دکتر دانیل دانا در بیرون منتظرم بود؛ هم‌وطنی که پیش از این سفر آشنایی نزدیک و طولانی با او نداشتم، اما میزبانی‌اش از همان لحظه آغاز شد. غروب با هم از فرودگاه قطار گرفتیم و به اورشلیم رفتیم. از ایستگاه مرکزی، با تراموا به سمت سیتی‌هال و خانه او حرکت کردیم. خانه‌اش در مرکز شهر قرار دارد؛ در نزدیکی بخش قدیمی اورشلیم، دیوار ندبه، مسجدالاقصی و مجموعه‌ای از مکان‌های تاریخی که نامشان را سال‌ها شنیده بودم. شب کمی قدم زدیم و غذای مختصری خوردیم. سفر، پس از انتظار فرودگاه، اکنون به گفت‌وگویی آرام و رودررو تبدیل شده بود.

۳. دوشنبه ۲۶ اکتبر؛ گفت‌وگو درباره صلح و شناخت شهر

صبح دوشنبه، پروفیسور فنتون، پژوهشگر زبان و مطالعات یهودی، به دیدار ما آمد. گفت‌وگو کوتاه بود، اما موضوع مهمی را پیش کشید: آیا ایرانیان با پیمان‌های ابراهیم مسئله‌ای دارند؟ پاسخ من این بود که برای ایرانیانی که خواهان صلح، توسعه و رابطه‌ای عادی با جهان‌اند، نزدیک شدن ملت‌های منطقه می‌تواند فرصتی ارزشمند باشد. در آن گفت‌وگو از پیوندهای کهن منطقه و امکان همراهی ایرانیان با این مسیر صحبت کردم. برای من، نام یک پیمان زمانی اهمیت پیدا می‌کند که در پس آن، اراده‌ای واقعی برای همزیستی و همکاری وجود داشته باشد.

سپس از چشم‌انداز پیمان کوروش سخن گفتم؛ افقی گسترده‌تر که ایران آزاد را نیز در کنار اسرائیل و همسایگان عرب در معماری صلح منطقه‌ای می‌بیند. مقصودم یک معاهده منعقدشده نبود، بلکه مسیری بود که می‌توان برای ساختنش تلاش کرد. باور دارم مردم منطقه، با وجود تفاوت‌هایشان، می‌توانند بر سر امنیت، آموزش، سلامت و شکوفایی اقتصادی منافع مشترک پیدا کنند. چنین گفت‌وگوهایی برای من ارزشمند است، زیرا تصویر ایران را از جمهوری اسلامی جدا می‌کند و امکان سخن‌گفتن درباره آینده‌ای متفاوت را فراهم می‌آورد.

پس از آن، ویکتور، دوست فرانسوی‌زبان دکتر دانا، راهنمای من شد و بخش‌های مختلف شهر را با هم دیدیم. در این گردش، اورشلیم برایم از مجموعه‌ای از نام‌های تاریخی به شهری زنده تبدیل شد؛ شهری که لایه‌های تاریخ و باورهای گوناگون در آن در کنار زندگی روزمره حضور دارند. به دیوار ندبه رفتیم و زمانی را آنجا گذرانیدیم. همراهی ویکتور به من امکان داد با آرامش بیشتری شهر را ببینم و درباره آن بپرسم. این روز، بیش از هر چیز، روز شناخت بود: شناخت مکان‌ها و نیز شناخت نگاه انسان‌هایی که زندگی‌شان با این شهر گره خورده است.

۴. سه‌شنبه ۲۷ اکتبر؛ در خانه آمیت دیویدسون

سه‌شنبه به خانه دوست و همکارم، آمیت دیویدسون، جراح تروما در بیمارستان هداسا، دعوت بودیم. این دیدار برای من یکی از بخش‌های مهم سفر بود، زیرا رابطه شخصی و زمینه حرفه‌ای را به هم پیوند می‌داد. در کنار آمیت و خانواده‌اش، زمانی صمیمی و دلپذیر گذرانیدیم. احساس من این بود که می‌توانیم با آرامش و اعتماد با یکدیگر صحبت کنیم؛ احساسی که برای آغاز هر همکاری جدی ضروری است. عکس‌های این دیدار، بخشی از همین فضای دوستانه را حفظ کرده‌اند.

گفت‌وگوی ما به امکان برگزاری یک دوره مشترک برای پزشکان میهن‌دوست ایران رسید. آمیت از همکاری سخن گفت که تجربه جراحی تروما، از جمله در محیط‌های نظامی، دارند و می‌توان از دانش و تجربه آنان در آموزش استفاده کرد. بحث ما بر این بود که گروهی از پزشکان ایرانی به اسرائیل بیایند، با همکاران اسرائیلی آشنا شوند و در برنامه‌ای هماهنگ، تجربه و مهارت خود را به اشتراک بگذارند. این آشنایی می‌تواند پایه‌ای برای همکاری‌های بعدی نیز باشد.

برای من، ارزش چنین دوره‌ای در کاربرد انسانی آن است: آمادگی برای رسیدگی اولیه به مجروحان، شناخت حدود توان فردی، تقسیم کار و هماهنگی در شرایط اضطراری. عنوان‌ها و پیشینه‌های متفاوت حرفه‌ای زمانی مفیدند که به آموزش روشن و قابل استفاده تبدیل شوند. در این دیدار، امکان حرکت در این مسیر را دیدم. هنوز لازم است مدرس‌ها، محتوای دوره، امکانات و زمان آن مشخص شود، اما گفت‌وگو از مرحله یک آرزوی کلی عبور کرد و شکل یک پیشنهاد قابل پیگیری گرفت.

سه‌شنبه؛ دوستی و همکاری پزشکی



در خانه دوستم آمیت دیویدسون؛ دیداری صمیمی و گفت‌وگو درباره همکاری آموزشی در تروما.

۵. چهارشنبه ۲۸ اکتبر؛ پاول همبرگر و میخال مایان

آشنایی با پاول همبرگر از طریق دکتر شفا عابدی شکل گرفت. پاول با من تماس گرفت و در هماهنگی دیدارها نقشی مؤثر داشت. چهارشنبه با میخال مایان از وزارت امور خارجه اسرائیل دیدار کردیم. برای من، اهمیت این ملاقات در امکان پیوند زدن روابط میان افراد با ارتباطی گسترده‌تر میان جوامع ایرانی و یهودی خارج از کشور بود. می‌خواستم بدانم چگونه می‌توان این علاقه متقابل را به برنامه‌ای مشترک و منظم تبدیل کرد.

درباره آموزش کمک‌های اولیه، آمادگی در برابر بحران و همکاری میان ایرانیان و یهودیان در خارج از اسرائیل صحبت کردیم. توضیح دادم که به‌عنوان یک جراح تروما و مدرس، مایلم در این زمینه سهمی داشته باشم. اگر انسانی در یک تجمع یا حادثه آسیب ببیند، آمادگی اطرافیان می‌تواند اهمیت زیادی پیدا کند. هدف من آن است که گروه‌های اجتماعی، در کنار شناخت بهتر یکدیگر، یاد بگیرند چگونه با حفظ ایمنی خود، کمک مناسب بخواهند و در چارچوب آموزش و توانایی‌شان به فرد آسیب‌دیده یاری برسانند.

در این گفت‌وگو، امکان پیگیری ارتباط‌ها از طریق سفارتخانه‌ها و نیز سفرهای گروهی آموزشی به اسرائیل مطرح شد. میخال برای ادامه تماس‌ها و معرفی مسیرهای ارتباطی کمک کرد. این دیدار به من نشان داد که همکاری پزشکی می‌تواند زبان مشترک مناسبی برای دو جامعه باشد. می‌توان از یک کارگاه محدود آغاز کرد، سپس محتوای فارسی و انگلیسی تهیه کرد و تجربه را به برنامه‌ای تکرارپذیر گسترش داد. برای من، معیار موفقیت این است که پس از پایان یک دیدار، راه ارتباط باز بماند و مسئولیت قدم بعدی روشن شود.

چهارشنبه؛ پیوند جامعه‌ها



دیدار با میخال مایان در جریان سفر؛ گفت‌وگو درباره پیوند ایرانیان و یهودیان خارج از کشور.

۶. پنجشنبه ۲۹ اکتبر؛ دیدار با موشه کاتساو

صبح پنجشنبه با موشه کاتساو، رئیس‌جمهور پیشین اسرائیل، دیدار کردیم. درباره انگیزه سفرم، پزشکان میهن‌دوست ایران و علاقه‌ام به ایجاد رابطه‌ای نزدیک‌تر با پزشکان اسرائیلی صحبت کردم. مقصودم این بود که ارتباط‌ها به آشنایی شخصی محدود نماند و بتواند به آموزش، انتقال تجربه و همکاری انسانی منتهی شود. در این دیدار، موضوع معرفی ما به افرادی که امکان کمک به این مسیر را دارند نیز مطرح شد.

برداشت من از گفت‌وگو این بود که می‌توان از همراهی و حمایت معنوی او، با نقشی پدران، برای تقویت این ارتباط‌ها بهره برد. این را به‌عنوان زمینه‌ای برای ادامه گفت‌وگو ثبت می‌کنم؛ شکل دقیق هر همکاری باید در پیگیری‌های بعدی مشخص شود. آنچه در این مرحله برای من ارزش داشت، امکان مطرح کردن مستقیم یک هدف عملی و جلب توجه به ظرفیت پزشکان ایرانی بود.

در طول سفر بارها به این نکته فکر کردم که برای ساختن رابطه، هم به اعتماد فردی نیاز داریم و هم به شبکه‌ای از ارتباط‌ها. یک معرفی مناسب می‌تواند راه گفت‌وگو با یک پزشک، مدرس، میزبان یا نهاد را باز کند. اما حاصل این معرفی زمانی پایدار می‌شود که ما نیز برنامه‌ای روشن داشته باشیم و بتوانیم نشان دهیم چه می‌خواهیم، چه امکاناتی در اختیار داریم و مسئولیت چه کاری را می‌پذیریم.

پنجشنبه؛ گفت‌وگو و آشنایی



دیدار با موشه کاتساو، رئیس‌جمهور پیشین اسرائیل؛ گفت‌وگو درباره گسترش ارتباطات پزشکی.

۷. پنجشنبه؛ جنوب اسرائیل، یادمان‌ها و کیبوتز آلومیم

پس از دیدار صبح، همراه پاول به جنوب اسرائیل رفتیم و از کیبوتزها و مکان‌های یادبود قربانیان هفتم اکتبر بازدید کردیم. در این بخش از سفر، با آثاری از خشونت روبه‌رو شدم که دیدنشان با خواندن خبر تفاوت داشت. خودروهای آسیب‌دیده، تصاویر قربانیان و نشانه‌های باقی‌مانده از آن روز، هر یک بخشی از واقعه را در برابر ما قرار می‌دادند. عکس‌هایی که گرفته‌ام، برای ثبت همین مواجهه‌اند؛ برای آنکه آنچه دیده‌ام در حد یک اشاره گذرا باقی نماند.

در دیدار با اهالی کیبوتز آلومیم، دربارهٔ حمله، تلفات انسانی، گروگان‌گیری و آسیب به زندگی و فعالیت‌های اقتصادی منطقه شنیدیم. از خسارت به تأسیسات دامداری و مرغداری نیز صحبت شد. در روایت شفاهی بازدید، آمارهایی دربارهٔ ابعاد این خسارت‌ها مطرح می‌شد، اما برای من اصل مسئله روشن بود: خشونت تنها جان انسان‌ها را نمی‌گیرد؛ خانه، کار، اعتماد و نظم زندگی یک جامعه را نیز هدف قرار می‌دهد. بازسازی، به همین دلیل، هم امری مادی است و هم انسانی.

در کنار این بازدید، دربارهٔ امکان میزبانی یک گروه آموزشی در آلومیم صحبت کردیم. بر اساس گفت‌وگوهایی اولیه، ظرفیت اقامت ساده برای حدود بیست تا سی نفر مطرح شد. فضای اقامت و زندگی را خودمانی، مرتب و مناسب یک برنامهٔ جمعی دیدم. توجه من به امکان کنار هم قرارگرفتن آموزش و زندگی گروهی جلب شد؛ اینکه پزشکان ایرانی و اسرائیلی، در محیطی مشترک، هم تمرین کنند و هم فرصت گفت‌وگو و شناخت یکدیگر را داشته باشند.

پنجشنبه‌شب نیز با پروفسور مردخای کدار دیدار داشتیم و دربارهٔ آیندهٔ روابط ایران و اسرائیل و دوستی میان دو ملت صحبت کردیم. پس از آنچه در طول روز دیده بودم، این بحث برایم معنایی ملموس‌تر داشت. گذشتهٔ دردناک را باید شناخت و به یاد سپرد، اما مسئولیت ما در همان‌جا پایان نمی‌یابد. پرسش بعدی این است که با این شناخت، برای جلوگیری از رنج بیشتر و ساختن رابطه‌ای بهتر چه می‌توانیم انجام دهیم.

یادمان‌های هفتم اکتبر



یادمان قربانیان هفتم اکتبر؛ گل‌ها، پرچم و یادگارهای باقی‌مانده.



خودروهای آسیب‌دیده در محوطه یادبود هفتم اکتبر.

یادمان‌های هفتم اکتبر



خودروی یادمانی، تصاویر قربانیان و پرچم‌ها در محوطه خودروهای آسیب‌دیده.



نمای عمومی محوطه یادبود و خودروهای آسیب‌دیده.

یادمان‌های هفتم اکتبر



تابلوی یادبود یکی از قربانیان؛ نام و شرح زندگی در تصویر اصلی حفظ شده است.



گل‌های یادبود و تاریخ هفتم اکتبر ۲۰۲۳.

یادمان‌های هفتم اکتبر



عکس یادگاری در محوطه خودروهای آسیب‌دیده و یادمان هفتم اکتبر.



لحظه‌ای دیگر از حضور در محوطه یادبود، در نور عصر.

یادمان‌های هفتم اکتبر



ثبت دیگری از بازدید عصرگاهی از یادمان.

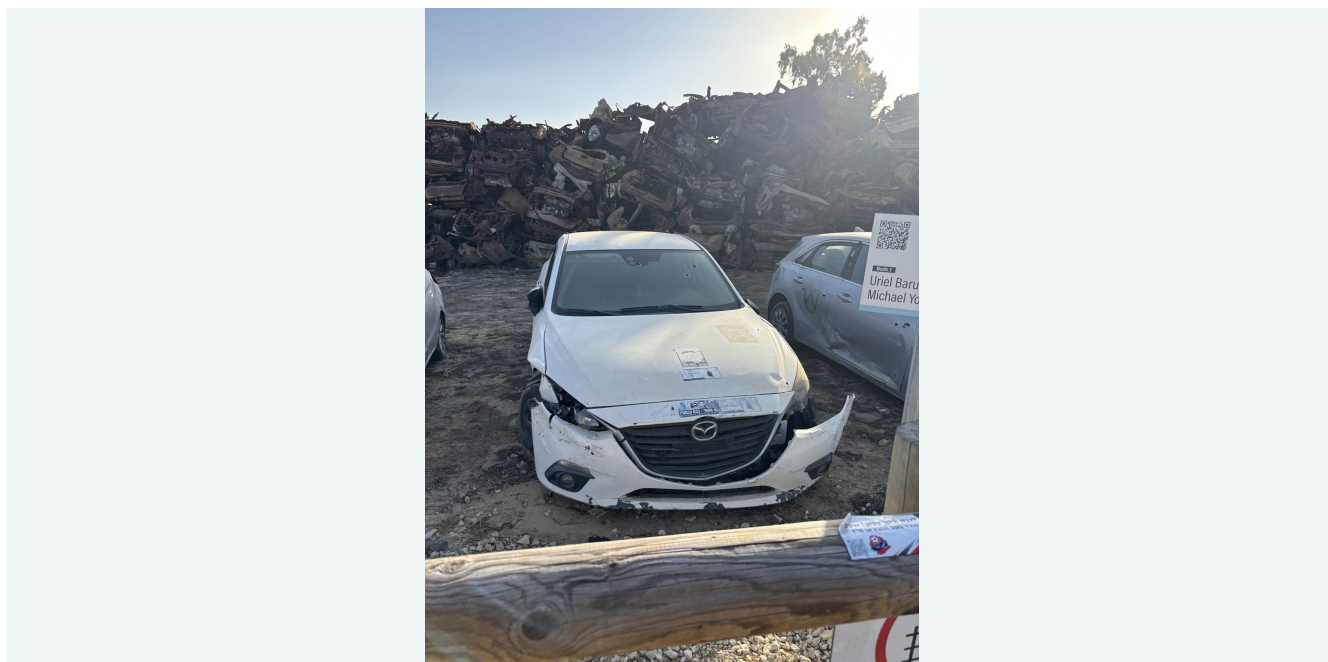


در کنار نقشه منطقه در جریان بازدید از محوطه خودروهای آسیب‌دیده.

یادمان‌های هفتم اکتبر



نقشه جوامع پیرامون غزه در محل بازدید.



آسیب‌های برجای مانده بر خودروها در محوطه یادبود هفتم اکتبر.

یادمان‌های هفتم اکتبر



خودروی یادمانی و تصاویر قربانیان؛ بخشی از بازدید جنوب اسرائیل.



جزئیات یادمان و تصاویر قربانیان بر خودروی آسیب‌دیده.

یادمان‌های هفتم اکتبر



نقشه منطقه در محوطه خودروهای آسیب‌دیده.

رعیم؛ به یاد قربانیان



تابلوی ورودی یادمان رعیم؛ یادبود قربانیان هفتم اکتبر ۲۰۲۳.



در میان تصاویر و یادمان‌های قربانیان هفتم اکتبر.

رعیم؛ به یاد قربانیان



نمایی گسترده‌تر از حضور در میان یادمان‌های قربانیان.

کیبوتز و زندگی روزمره



نمای سالن پرورش طیور در جریان بازدید از کیبوتز؛ جلوه‌ای از زندگی و تولید در منطقه.



مزارع پیرامون محل بازدید؛ جلوه‌ای از زندگی و کار کشاورزی.

کیبوتز و زندگی روزمره



نمایی از تأسیسات و تجهیزات تولیدی در مجموعه بازدیدشده.



لحظه‌ای از بازدید و همراهی در محوطه بیرونی.

کیبوتز و زندگی روزمره



عکس یادگاری در کنار چشم‌انداز مزارع منطقه.



غروب در فضای عمومی مجموعه بازدیدشده.

کیبوتز و زندگی روزمره



چشم‌انداز غروب و فضای زندگی در مجموعه بازدیدشده.



لحظه‌ای از مهمان‌نوازی و آماده‌کردن غذا در جریان بازدید.

۸. جمعه ۳۰ و شنبه ۳۱ اکتبر؛ پایان اقامت و برنامه بازگشت

جمعه از خانه دکتر دانا و از اورشلیم خداحافظی کردم و به سمت ایستگاه مرکزی رفتم. از آنجا با اتوبوس راهی هتلی در نزدیکی فرودگاه بن‌گوریون شدم تا برای پرواز زودهنگام صبح شنبه آماده باشم. پس از چند روز دیدار و رفت‌وآمد، این جابه‌جایی فرصتی بود تا آنچه را دیده و شنیده بودم مرتب کنم و درباره قدم بعدی فکر کنم.

این روایت را در جمعه ۳۰ اکتبر، پیش از پرواز بازگشت، تنظیم می‌کنم. برنامه شنبه ۳۱ اکتبر، پرواز از بن‌گوریون به فرانکفورت و سپس منچستر است و پس از آن به خانه‌ام در لیدز بازمی‌گردم. بنابراین، پایان باز سفر در عنوان این کتابچه، تاریخ برنامه‌ریزی شده بازگشت است. آنچه از دیدارها و بازدیدها در این صفحات آمده، تجربه روزهای گذشته من است.

با خودم از این سفر مجموعه‌ای از عکس‌ها و خاطره‌ها می‌برم، اما مهم‌تر از آن، چند رابطه و چند امکان عملی است. اکنون می‌توانم به همکارانم بگویم با چه کسانی صحبت کرده‌ام، چه زمینه‌هایی برای همکاری مطرح شده و کدام پیشنهادها ارزش پیگیری دارند. این سفرنامه را برای همین نوشته‌ام: تا تجربه فردی من، به اطلاعات و فرصتی مشترک برای پزشکان میهن‌دوست ایران تبدیل شود.

لحظه‌هایی از دیدارهای سفر



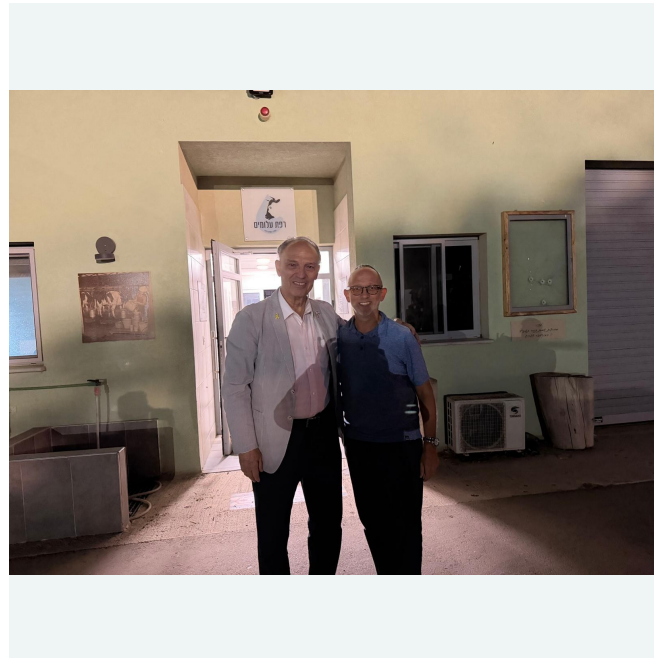
لحظه‌ای از همراهی و دیدار دوستان در این سفر.



عکس یادگاری در یکی از دیدارهای این سفر.



لحظه‌ای از همراهی و دیدار دوستان در این سفر.



لحظه‌ای از همراهی و دیدار دوستان در این سفر.

۹. پیشنهاد من؛ شش روز و پنج شب همکاری و آشنایی

پیشنهادم این است که برای سفری گروهی، احتمالاً در ژانویه ۲۰۲۷، برنامه‌ریزی کنیم؛ سفری از یکشنبه تا جمعه، یعنی شش روز و پنج شب. زمان دقیق، تعداد شرکت‌کنندگان، مدرسه‌ها و امکانات باید با میزبانان هماهنگ شود. هدف آن است که آموزش عملی، آشنایی با جامعه اسرائیل و فرصت گفت‌وگوی حرفه‌ای در یک برنامه منسجم کنار هم قرار گیرند.

یکشنبه، شرکت‌کنندگان از کشورهای محل اقامت خود به فرودگاه بن‌گوریون می‌رسند و با مینی‌بوس به سمت کیپوتز آلومیم می‌روند. اقامت شب‌های یکشنبه و دوشنبه در آنجا پیشنهاد می‌شود. امکان میزبانی ساده و بدون هزینه اقامت در گفت‌وگوهای اولیه مطرح شده است و لازم است پیش از قطعی کردن سفر، ظرفیت و شرایط آن تأیید شود. این محیط می‌تواند برای شکل‌گیری ارتباط گروهی و آماده‌شدن برای دو روز آموزش مناسب باشد.

دوشنبه و سه‌شنبه را به تمرین کمک‌های اولیه و رسیدگی اولیه به مجروحان اختصاص می‌دهیم. درباره استفاده از داوطلبان برای ایفای نقش مصدوم در تمرین‌های شبیه‌سازی نیز صحبت شده است؛ از جمله امکان همکاری با یک دبیرستان شبانه‌روزی در محل. این بخش، در صورت اجرا، باید با رضایت داوطلبان، هماهنگی مسئولان و ترتیبات متناسب با سن آنان انجام شود. برنامه آموزشی باید از پیش روشن باشد تا هم برای شرکت‌کنندگان مفید باشد و هم به آمادگی مدرسه‌ها و میزبانان احترام بگذارد.

سه‌شنبه پس از پایان تمرین، به اورشلیم می‌رویم و شب‌های سه‌شنبه و چهارشنبه را در آنجا می‌مانیم. چهارشنبه برای بازدید از مکان‌های تاریخی، با همراهی راهنما، در نظر گرفته می‌شود. پنجشنبه صبح به تل‌آویو حرکت می‌کنیم و روز را به آشنایی با شهر و امکانات آن اختصاص می‌دهیم. پس از یک شب اقامت، جمعه هر یک به کشور محل زندگی خود بازمی‌گردیم. این ترکیب، هم برای کار حرفه‌ای فرصت فراهم می‌کند و هم برای شناخت مردمی که می‌خواهیم با آنان رابطه‌ای پایدار داشته باشیم.

برنامه پیشنهادی سفر گروهی

پیشنهاد اولیه برای ژانویه ۲۰۲۷: شش روز و پنج شب، از یکشنبه تا جمعه. تاریخ دقیق، ظرفیت اقامت، مربیان و هزینه ها پس از هماهنگی میزبانان مشخص خواهد شد.

روز	برنامه	اقامت شب
یکشنبه	ورود به بن گوریون؛ انتقال گروهی با مینی بوس به کیبوتز آلومیم	آلومیم
دوشنبه	روز نخست آموزش و تمرین کمک های اولیه و مراقبت اولیه از مجروحان	آلومیم
سه شنبه	روز دوم تمرین؛ حرکت عصرگاهی به اورشلیم	اورشلیم
چهارشنبه	بازدید از اماکن تاریخی اورشلیم با راهنمای محلی	اورشلیم
پنجشنبه	حرکت صبحگاهی به تل آویو؛ بازدید و برنامه شهری	تل آویو
جمعه	انتقال به فرودگاه بن گوریون و پرواز به کشورهای محل اقامت	بازگشت

تقسیم شب ها: دو شب آلومیم، دو شب اورشلیم و یک شب تل آویو. گفت و گو درباره اقامت ساده و کم هزینه در آلومیم هنوز به معنای رزرو قطعی یا تضمین اقامت رایگان نیست.

۱۰. دستاوردی که باید ادامه پیدا کند

دستاورد اصلی این سفر برای من، روشن شدن چند مسیر قابل پیگیری است: ارتباط میان پزشکان ایرانی و اسرائیلی، امکان برگزاری دوره‌ای مشترک در اسرائیل و آموزش کمک‌های اولیه برای ایرانیان و یهودیان خارج از کشور. هر یک از این مسیرها می‌تواند از مقیاسی محدود آغاز شود. لازم نیست برای شروع، همه چیز بزرگ و پیچیده باشد؛ لازم است هدف، مسئولیت و قدم بعدی روشن باشد.

می‌خواهم تجربه این دوره‌ها به محتوایی قابل استفاده تبدیل شود: کتابچه‌ای آموزشی به فارسی و انگلیسی، فیلم‌هایی روشن و کوتاه و کارگاه‌هایی که بتوان آن‌ها را در شهرهای مختلف برگزار کرد. تهیه این مواد باید با همکاری مدرس‌ها و بر اساس محتوای آموزشی توافق شده انجام شود. فیلم‌برداری نیز با رضایت افراد صورت گیرد تا اعتماد و شأن شرکت‌کنندگان حفظ شود. چنین مجموعه‌ای می‌تواند به همبستگی میان دو جامعه شکلی روزمره و کاربردی بدهد.

برای من، پیوند پزشکی میان ایرانیان و اسرائیلیان بخشی از نگاه بزرگ‌تری به آینده است. ما می‌توانیم از ظرفیت حرفه‌ای خود برای کاهش رنج، انتقال دانش و ساختن اعتماد استفاده کنیم. دوستی هنگامی ریشه می‌گیرد که انسان‌ها تجربه مفیدی از همکاری داشته باشند. اگر این سفر به آغاز چنین تجربه‌ای کمک کرده باشد، ارزش آن فراتر از چند روز اقامت و چند دیدار خواهد بود. اکنون مسئولیت ماست که این امکان را با برنامه‌ریزی، پیگیری و کار مشترک به نتیجه برسانیم.

۱۱. سپاس و سخن پایانی

از دکتر دانیل دانای عزیز سپاسگزارم که با مهربانی و سخاوت میزبان من بود. او که بنا بر روایت خودش سی و دو سال در اسرائیل زندگی کرده، برای آشنایی ایرانیان با جامعه اسرائیل وقت و انرژی می‌گذارد. خانه او، با عکس‌ها، نوشته‌ها و یادگارهای زندگی‌اش، خود بخشی از تجربه این سفر شد. تصاویر این مجموعه را نیز در کتابچه آورده‌ام تا خواننده فضای میزبانی و بخشی از جهان شخصی او را ببیند. این عکس‌های آرشیوی، یادگار زندگی دکتر داناست و با دیدارهای همین سفر تفاوت دارد.

از پاول همبرگر برای هماهنگی‌ها، همراهی و بازکردن راه دیدارها، و از دکتر شفا عابدی برای این آشنایی ارزشمند تشکر می‌کنم. از آمیت دیویدسون و خانواده‌اش برای میزبانی صمیمانه، و از میخال مایان برای گفت‌وگوی سازنده و کمک به ادامه ارتباط‌ها سپاسگزارم. همچنین از ویکتور، پروفیسور فنتون، موشه کاتساو، پروفیسور مردخای کدار و میزبانان ما در جنوب اسرائیل قدردانی می‌کنم. هر یک، به شکلی، بخشی از این سفر و شناخت من را ساخته‌اند.

این سفر برای من فرصتی بود تا باورم به دوستی میان ایرانیان و اسرائیلیان را در گفت‌وگو و تجربه مستقیم دنبال کنم. با عکس‌ها و این روایت، آنچه را دیده‌ام با همکارانم در پزشکان میهن‌دوست ایران در میان می‌گذارم و پیشنهاد می‌کنم قدم بعدی را با هم برداریم. امید من این است که از این آشنایی‌ها، آموزش بهتر، همکاری ماندگار و رابطه‌ای انسانی‌تر شکل بگیرد؛ رابطه‌ای در خدمت زندگی و آینده دو ملت.

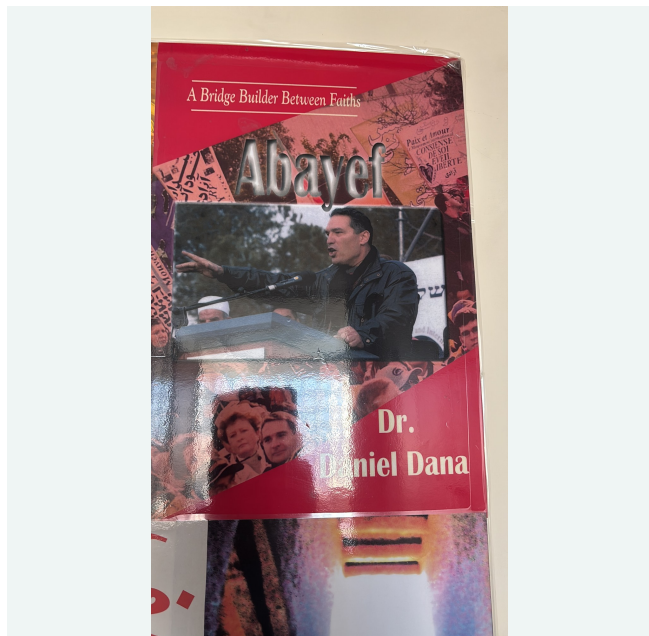
در خانه دکتر دانا؛ آرشیو میزبان

خانه دکتر دانا برای من تنها محل اقامت نبود. عکس‌ها، کتاب‌ها و اسنادی که در آن نگهداری می‌کند، پنجره‌ای به زندگی طولانی و پرماجرایی او بود. در این صفحات، تمام تصاویر مرتبط از این مجموعه را کنار هم آورده‌ام تا بخشی از فضایی که در آن مهمان بودم، در سفرنامه باقی بماند.

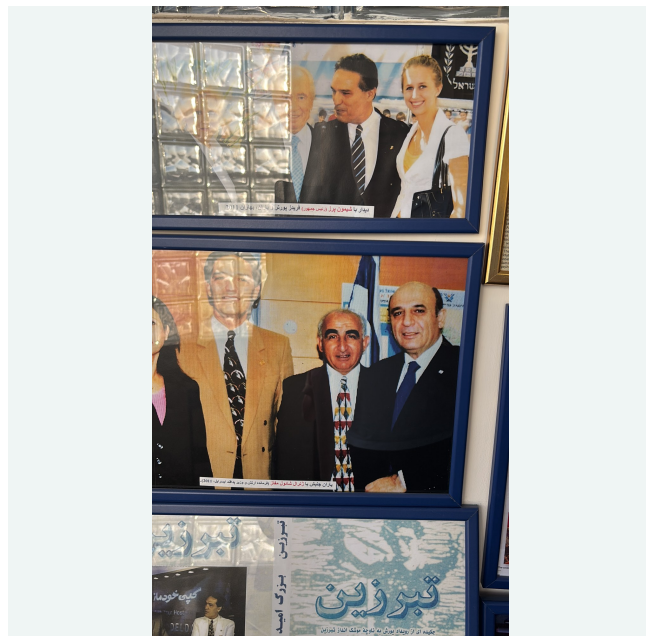
این تصاویر، عکس‌های من از آرشیو گذشته میزبان‌اند. اشخاص و رویدادهای داخل قاب‌ها لزوماً مربوط به این سفر نیستند و بازنشر آن‌ها به معنای دیدار من با تمام افراد حاضر در آن قاب‌ها نیست.

یادگارهای زندگی میزبان

آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



جلد کتاب «Abayef» نوشته دکتر دانیل دانا، در مجموعه شخصی او.



از آرشیو تصویری دکتر دانیل دانا؛ عکس یادگاری از قاب‌های دیدارهای گذشته در خانه میزبان.



پرتره‌ها و یادگارهای دانشگاهی در مجموعه شخصی دکتر دانیل دانا.



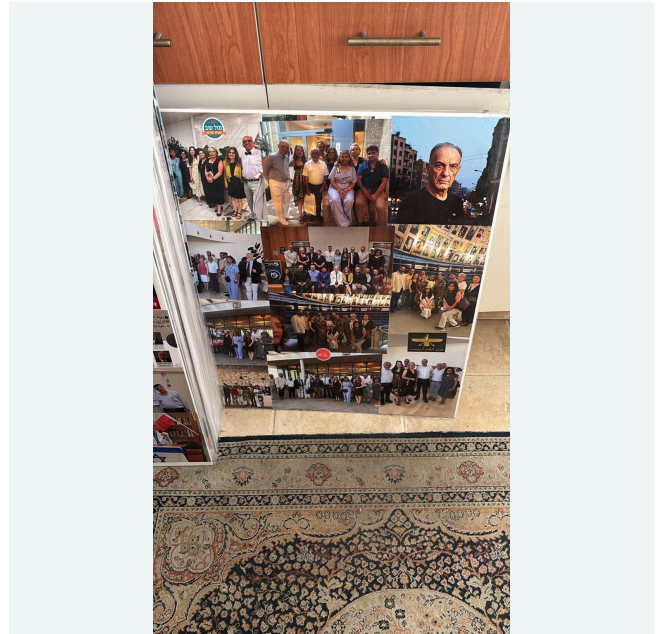
بخشی از اسناد و یادگارهای تحصیلی و ورزشی در آرشیو خانگی دکتر دانیل دانا.

یادگارهای زندگی میزبان

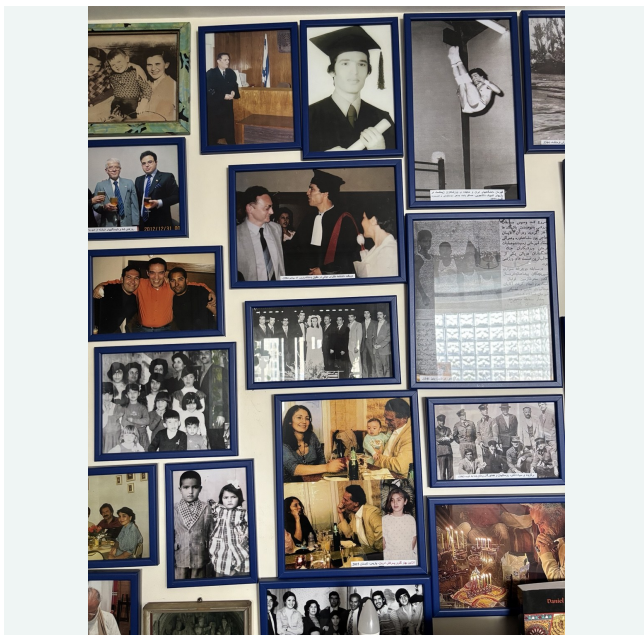
آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



بخشی از آرشیو رسانه‌ای و گفت‌وگوهای گذشته میزبان.



قاب‌هایی از گردهمایی‌ها و دیدارهای گذشته در خانه دکتر دانا.



خاطرات خانوادگی و دانشگاهی در آرشیو خانگی دکتر دانا.



قاب‌های خانوادگی و یادگارهای زندگی دکتر دانا در خانه او.

یادگارهای زندگی میزبان

آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



عکسهای ورزشی و کتابها در خانه میزبان.



یادگارهای ورزشی در مجموعه شخصی دکتر دانا.



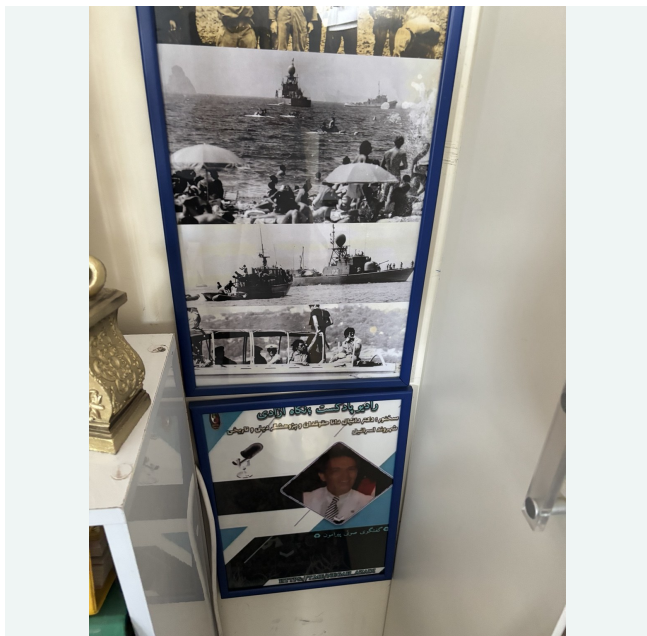
اسناد و یادگارهای گذشته در آرشیو خانگی دکتر دانا.



کتابها، نوشته‌ها و یادگارهای دریانوردی در مجموعه دکتر دانا.

یادگارهای زندگی میزبان

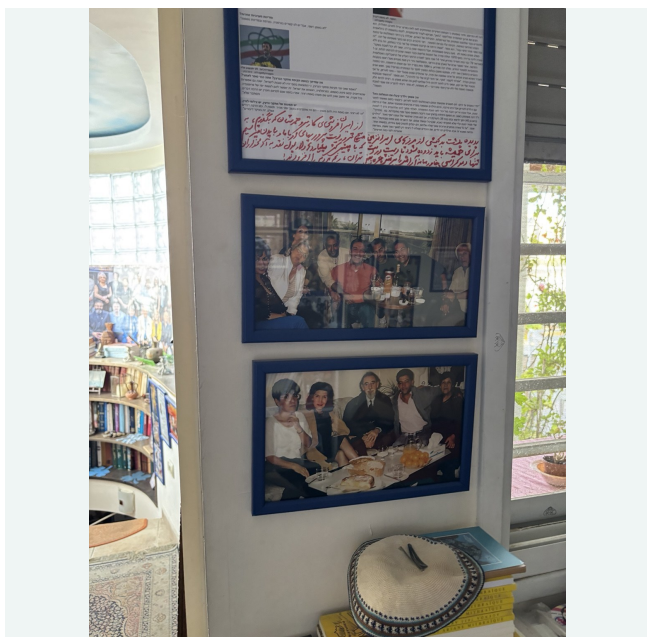
آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



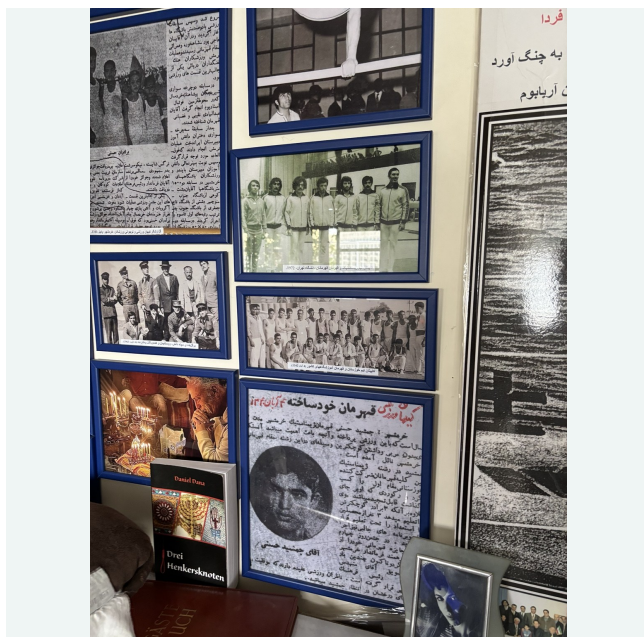
نمای دیگری از مجموعه یادگارهای دریانوردی.



قاب‌هایی از خاطرات دریانوردی و زندگی گذشته میزبان.



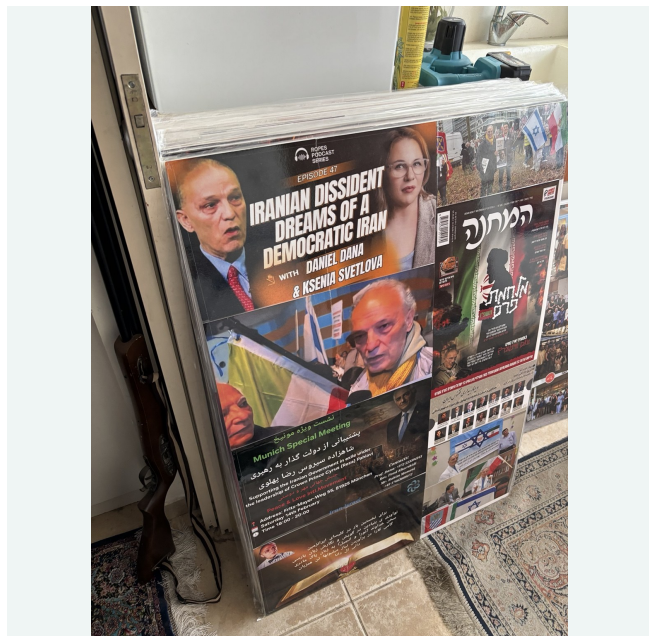
عکس‌های گروهی و یادگار دیدارهای گذشته در خانه میزبان.



آرشیو ورزش و کتاب در خانه دکتر دانا.

یادگارهای زندگی میزبان

آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



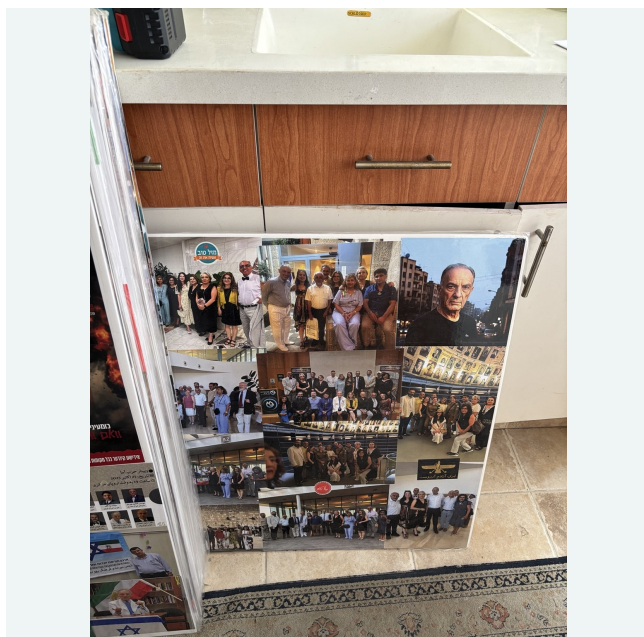
مجموعه‌ای از حضورهای رسانه‌ای و فعالیت‌های اجتماعی گذشته.



قاب‌های خانوادگی و یادگارهای گفت‌وگو و دوستی.



گزارش مطبوعاتی قاب‌شده در مجموعه شخصی میزبان.



تصاویر گردهمایی‌ها و دیدارهای گذشته دکتر دانا.

یادگارهای زندگی میزبان

آرشیو گذشته دکتر دانیل دانا؛ عکاسی شده در جریان این سفر



صفحه‌ای از آرشیو مطبوعاتی دکتر دانا.

یادداشت منابع و روایت

۱. نام سامانه ورود: درگاه رسمی اداره جمعیت و مهاجرت اسرائیل، ETA-IL را «مجوز الکترونیکی سفر» معرفی می‌کند و آن را از ویزای الکترونیکی B2 جدا می‌داند. نام سامانه در روایت بر همین مبنا اصلاح شده است.

Israel Population & Immigration Authority | ETA-IL

۲. آمار کلی هفتم اکتبر: گزارش شماره ۱۰۰ دفتر هماهنگی امور بشردوستانه سازمان ملل، مورخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۴، با استناد به مقام‌های اسرائیلی از بیش از ۱۲۰۰ کشته در اسرائیل خبر می‌دهد که اکثریت قریب به اتفاق آنان در هفتم اکتبر کشته شدند. تعبیر تقریبی متن به این گزارش متکی است؛ آمار جزئی برای هر کیبوتز در این کتابچه ارائه نشده است.

UN OCHA | Flash Update 100 | 23 January 2024

۳. روایت سفر: خاطرات و توضیحات من در ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶، همراه با یادداشت سفر ذخیره‌شده در ۲۸ اکتبر و عکس‌های شخصی، مبنای ترتیب دیدارها و شرح آن‌هاست. گفت‌وگوها به مضمون بازنویسی شده‌اند و نقل قول کلمه‌به‌کلمه نیستند. اشاره به سرکوب هشتم و نهم ژانویه ۲۰۲۶ بخشی از زمینه سیاسی و انگیزه شخصی این سفر است؛ در این کتابچه آماری برای آن ارائه نمی‌کنم.

۴. بازگشت: مسیر بن‌گوریون به فرانکفورت و سپس منچستر با کارت‌های پرواز ۳۱ اکتبر ۲۰۲۶ تطبیق داده شده است؛ ادامه مسیر تا لیدز، بازگشت به محل زندگی من است. در زمان تدوین این نسخه، این بخش سفر هنوز پیش رو بود.

۵. طرح آموزشی: ظرفیت تقریبی ۲۰ تا ۳۰ نفر، امکان اقامت و همکاری مربیان، حاصل گفت‌وگوهای اولیه است. جدول یکشنبه تا جمعه، شش روز و پنج شب را نشان می‌دهد. این سفرنامه سند رزرو، قرارداد برگزاری دوره یا اعلام حمایت رسمی یک نهاد نیست.

پیمان بخشایش | ۳۰ اکتبر ۲۰۲۶